

دیدگاه‌های جمعیت‌شناسی در سیاستگذاری‌های راهبردی برای توسعه آتی شهر تهران

□ دکتر حبیب‌الله زنجانی*

مقدمه

در مورد توسعه شهر تهران و گسترش آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی مستقر بودن پایتخت در این شهر را عامل اصلی رشد و گسترش آن می‌دانند، برخی دیگر، مجموعه عواملی را که به طور کلی، در گسترش پایتختها مؤثر بوده‌اند وجه اشتراک این قبیل شهرها به حساب می‌آورند و افزایش کلانشهرهای جهان سوم را به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم نمود بارزی از این رویداد محسوب می‌دارند و عده‌ای دیگر نیز به نقش و اهمیت شهر تهران در مقیاس‌های جهانی و منطقه‌ای، موقعیت جغرافیائی آن به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و مواصلاتی و خصوصیات کالبدی این شهر تاکید می‌نمایند و مجموعه این عوامل را در کنار نحوه مدیریت سرزمین و جایگاه ویژه تهران در آن میان، مهم و مؤثر می‌شمارند. اگرچه این دیدگاهها از هم دور نیستند و در تحلیل نهائی به هم نزدیک می‌شوند و خطوط اشتراک زیادی می‌یابند که تنها اهمیت نسبی آنها از یک دیدگاه به دیدگاه دیگر تغییر می‌کند، عواملی چون جمعیت و جمعیت‌پذیری شهر وجود دارد که در نزدیکتر ساختن این دیدگاهها نقش برتری بازی می‌کند هر چند که خود نیز برآیندی از مجموعه عوامل مدیریتی،

* - دانشیار دانشگاه تهران و عضو شورای پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلیخال

فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و آرمانی است این مقاله قصد آن دارد که با تحلیل این عامل مهم بتواند نقش عوامل جمعیتی در سیاستگذاریهای توسعه‌ای این شهر در آینده را باز شناسد و جای آنرا در نگرشهای جامع مدیریت شهری مورد تاکید قرار دهد.

۱ - طرح موضوع

جمعیت عنصر مهم و تفکیک‌ناپذیر طرحها و برنامه ریزیهای شهری، منطقه‌ای و ملی است بدون شناخت و تحلیل جمعیت نمی‌توان به روندها و گرایشهای آن پی برد و به حل و فصل مسائل اقتصادی و اجتماعی پرداخت که به صورت تنیده‌ای با جمعیت و ویژگیهای آن گره خورده است. هر چه تعداد جمعیت در نقطه‌ای افزونتر، تراکمیهای جمعیتی در آن نقطه بالاتر و منطقه از ویژگیهای زیست محیطی شکننده‌ای برخوردار باشد، باید در سیاستگذاریهای دراز مدت مربوط به آن، شناخت کاملتری از جمعیت و چگونگی تغییر و تحول آن بدست آورد، تغییرات گذشته را با دقت مورد بررسی قرار داد و گرایشهای آینده آن را با وضوح بیشتری شناسائی کرد تا پیش‌بینی‌های تحقق‌پذیرتری از تعداد، ساختار و چگونگی پراکنش جمعیت در آینده به دست آورد و سپس در چارچوب سیاستهای بالا دست، راهکارهای لازم را برای پاسخگویی به نیازها اندیشید.

در مورد شهر تهران بی‌تردید، داده‌هایی که بتواند روند گذشته و چگونگی سیر جمعیت در آینده را مشخص کنند، وجود دارد از آخرین سند مصوب آن یعنی، طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای پیرامونی آن، زمان زیادی نگذشته است. با این همه از منظر تدوین سیاستهای راهبردی شاید ضروری باشد یک بار دیگر با دقت و موشکافی بیشتری به جمعیت، سیاستگذاریهای جمعیتی و پیامدهای آن در شهر تهران نگرست و از ورای آن سیاستهای راهبردی مناسبتری ارائه کرد.

در این مقاله ابتدا نگاهی به شهر تهران از منظر جمعیت شناختی انداخته می‌شود و با این

باور که، حال نتیجه گذشته و مقدمه آینده است. مرحله‌بندی معنی‌دارتری از مراحل رشد جمعیت آن در رابطه با چگونگی نگرشها و سیاستهای توسعه‌کالبدی آن ارائه می‌شود و با تحلیل پیامدهای آنها، بستر اولیه‌ای برای طرح دیدگاههای بعدی فراهم می‌گردد.

۲ - توسعه تهران از منظر جمعیت‌شناسی:

شهر تهران که پس از ویران شدن شهر ری به دست مغولان در سال ۶۱۷ ق قد برافراشت و با سرکوب شدن قیام ورامین در قرن هشتم هجری به مرکز اداری بخش غار (یکی از چهار بخش ری سابق) تبدیل شد، به تدریج رو به آبادانی نهاد. در عصر تیموری پارک و دارالحکومه‌ای در آن ایجاد شد که در آن زمان در ضلع شمالی تهران جای گرفته بود و دارای قصری بوده است که کلاویخوس فرستاده پادشاه اسپانیا برای مذاکره با امیر تیمور گورکانی پادشاه ایران، در آن قصر اقامت یافت که در سفرنامه خود از آن با عنوان Pasada یعنی قصر یاد کرده است.

این شهر که در اوائل قرن دهم هجری ق، یعنی زمان آغاز حکومت صفوی ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر (عدل به نقل از هربرت، ۱۳۷۵: ۲۲) جمعیت داشت، از سال ۹۶۱ قمری (۱۵۵۴ میلادی) سیمای جدیدی یافت و مورد توجه شاه طهماسب صفوی قرار گرفت. بازاری در آن ایجاد شد و برگرداگرد محدوده ۹ کیلومتر مربعی آن باروشی ساخته شد که دارای ۱۱۴ برج (به تعداد سوره‌های قرآن مجید) و چهار دروازه بود. تهران برای مدت کوتاهی در آن زمان، نقش پایتختی را تجربه کرد. شاه طهماسب در آن اقامت گزید و به رتق و فتق امور پرداخت. این شهر همواره مورد توجه سلسله صفوی بود، شاه سلیمان فرمان ساختن دیوانخانه سلطنتی را در محل چارستان صادر کرد و شاه سلطان حسین در سال ۱۱۳۵ قمری (۱۷۲۲ قمری) سفیر اسپانیا را در آن به حضور پذیرفت (مقتدر، ۱۳۷۵: ۳۶) شاید به دلیل همین سوابق بود که سران این شهر در سال ۱۱۴۱ قمری (۱۷۵۹ میلادی) پس از استیلای محمود افغان بر ایران دستگیر و اعدام شدند. نادر شاه در سال ۱۱۵۳ قمری (۱۷۴۰ میلادی) حکومت تهران را به فرزندش رضا قلی

میرزا سپرد که می‌تواند نشان دهنده توجه خاص وی به این شهر باشد که به دور از مرکز حکومتی وی (مشهد) قرار داشت. پس از سو قصد به نادر شاه در سال ۱۱۵۴ قمری، که منجر به عزل و دستگیری و کور کردن فرزندش رضاقلی میرزا شد حکومت تهران روبه ضعف نهاد و با انقراض افشاریه به دست سران قاجار افتاد تا آنکه کریم خان در سال ۱۱۷۳ قمری (۱۶۹۷ میلادی) آن شهر را از قبیله قاجار گرفت و به ترمیم حصار آسیب دیده آن پرداخت، بناهای جدیدی از جمله دیوانخانه کریمخانی را در آن ایجاد کرد و عملاً تا وقتی که در سال ۱۱۹۰ قمری (۱۷۳۱ میلادی)، شیراز را به عنوان پایتختی برگزید در این شهر حکومت می‌کرد.

آقا محمدخان قاجار در ۲۷ شوال ۱۲۰۰ قمری (۱۷۸۵ میلادی) بر شهر تهران دست یافت و در ۱۱ جمادی‌الاول ۱۲۰۰ آنرا اسما به پایتختی برگزید ولی عملاً از ۱۱ محرم ۱۲۰۷ قمری (۱۷۹۲ میلادی) که از شیراز به تهران حرکت کرد حکومت خود را از این شهر آغاز نمود. و در سال ۱۲۱۰ قمری در کاخ گلستان تاجگذاری کرد. با برجا ماندن پایتختی کشور در تهران، رسم گذشته که معمولاً با تغییر سلسله‌های حکومتی، پایتخت کشور نیز تغییر می‌کرد بر افتاد و به رغم تغییر سلسله قاجار، برچیده شدن سلسله پهلوی و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، این شهر همچنان نقش پایتختی خود را حفظ کرد و حتی به رغم تصمیم شورای انقلاب اسلامی مبنی بر انجام مطالعات مربوط به انتقال پایتخت، همچنان نقش پایتختی کشور را به عهده دارد.

گرچه به شرحی که گفته شد از آغاز توسعه شهر تهران، نزدیک به هشتصد سال می‌گذرد لیکن این توسعه تا شروع سلطنت قاجاریه در ایران بسیار محدود بوده و اهمیت جمعیتی چندانی نداشته است به گونه‌ای که جمعیت این شهر در آغاز حکومت قاجار از ۲۰ هزار نفر هم تجاوز نمی‌کرد و حتی به استناد بعضی از نوشته‌ها، در سال ۱۲۱۲ قمری (۱۷۹۷ میلادی) از ۱۵ هزار نفر هم فراتر نمی‌رفته است (اولیویه، ۱۸۰۷ ج ۳: ۵۰) و این نزدیک به رقمی است که برای اوایل قرن دهم یعنی حدود ۳۰۰ سال پیش از آن ذکر شده بود (عدل به نقل از هربرت: ۲۲).

اولین خیز جمعیتی شهر تهران در دوره فتحعلیشاه (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ : ۱۷۹۷ تا ۱۸۳۴ میلادی) اتفاق افتاد. جمعیت این شهر در سال ۱۲۲۱ هجری (۱۸۰۶ میلادی) به حدود ۳۰ هزار نفر (ژوبر، ۱۸۰۶: ۲۰۶) رسید و موریه در سال ۱۸۱۸، یعنی اواسط سلطنت فتحعلیشاه، جمعیت آنرا به نقل از کربورتر (۱۸۲۱: ۳۱۲) ده هزار نفر در تابستان و هفتاد هزار نفر در زمستان ذکر نمود. تامپسون در سال ۱۲۴۷ هجری (۱۸۳۱ م) یعنی ۳ سال مانده به پایان سلطنت فتحعلیشاه جمعیت آن شهر را ۸۵ هزار نفر برآورد کرد و در همان حال جمعیت شهر تبریز را به عنوان دومین شهر کشور ۱۱۰ هزار نفر و جمعیت شهرهای مشهد، اصفهان و یزد را به عنوان شهرهای مرتبه سوم و چهارم و پنجم کشور به ترتیب ۷۰، ۶۰ و ۴۰ هزار نفر تخمین زد.

جمعیت شهر تهران در این برآورد هم می‌تواند مقرون به صحت باشد و هم کمی فراتر از آن تلقی شود. چه به نوشته صنیع الدوله اعتماد السلطنه (۱۲۹۴: ۵۰۸ تا ۵۹۵) جمعیت تهران در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه (سلطنت ناصرالدین شاه از ۱۲۶۴ آغاز و در ۱۳۱۳ پایان یافت) به حدود ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر بالغ می‌شده است. بی‌تردید تعیین دقیق جمعیت شهر تهران از روی برآوردهای سیاحان خارجی بسیار مشکل است (پولارک، ۱۸۶۵: ۱ و ۲) ولی چون در آن زمان، اطلاعات دقیقتری توسط سازمانهای داخلی تهیه نمی‌شد به ناچار باید به این آمار و ارقام به عنوان منابع قابل ذکر در مطالعات جمعیت و توسعه اشاره کرد و در سوابق مطالعاتی شهر از آنها سود جست.

گفتنی است که به استناد مجموعه اطلاعات موجود، شهر تهران در دوره محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴: ۱۱۹۷ - ۱۸۴۷ م) رو به گسترش نهاد و در سمت شمالی خود از حصار صفوی فراتر رفت (مقتدر، ۱۳۷۵: ۳۸) میرزا آغاسی صدر اعظم وقت، دستور حفر قناتهای جدیدی را صادر کرد و کانالی به طول ۲۲ کیلومتر برای انتقال بخشی از آب کرج به تهران ایجاد نمود. این اقدامات را باید به نوعی تامین فضا و شکل دهی بستر توسعه کالبدی شهر تهران در اواخر قرن نوزدهم محسوب داشت که زمینه ساز حله دیگری از تحول جمعیتی شهر تهران شد. توسعه

جمعیتی و گسترش کالبدی شهر تهران در دوره ناصرالدین شاه، این شهر را در معرض جهش جمعیتی قرار داد و پایه پای آن بسترهای مطالعاتی و توسعه فضائی آن را نیز آماده‌تر ساخت.

از دوران ناصرالدین شاه به بعد گرد آوری آمار و اطلاعات جمعیتی بیش از پیش معمول شد. نقشه‌هایی از شهر تهران ترسیم گردید و سرشماریهایی به عمل آمد که از اسناد مهم مطالعات جمعیتی و توسعه کالبدی شهر محسوب می‌شوند نخستین نقشه چاپ شده از تهران در سال ۱۲۵۸ قمری (در دوره محمد شاه قاجار) توسط یکی از شرق شناسان روسی به نام برزین Berezine تهیه گردید و در سال ۱۲۶۹ ق (۱۸۵۲ م) در اوایل حکومت ناصرالدین شاه در مسکو به چاپ رسید. نقشه دوم توسط یکی از استادان مدرسه درالفتون به نام اوگوستوس کرشیش با کمک و همکاری دو نفر از شاگردان وی در سال ۱۲۷۵ ق (۱۸۵۸ م) تهیه شد که محدوده ۹ کیلومتر مربعی واقع در داخل حصار طهماسبی را نشان می‌داد که با ۶ دروازه مشخص شده بود. نقشه‌های دیگری نیز توسط عبدالغفار در ۱۳۰۸ ق (۱۸۹۰ م) و دالمانی در ۱۳۳۰ ق (۱۹۱۱) از تهران تهیه شد لیکن شهر تهران تا سال ۱۳۰۴ شمسی در داخل حصاری قرار داشت که به دستور ناصرالدین شاه پس از تخریب حصار طهماسبی به دور آن کشیده شد (دستور ساخت این حصار در سال ۱۲۸۸ که موسوم به سال قحطی عام در ایران است از طرف ناصرالدین شاه صادر شد) که حدود ۱۹/۲ کیلومتر طول و ۱۲ دروازه داشت (مقتدر، ۱۳۷۵: ۴۱) و مساحتی نزدیک به ۲۴/۵ کیلومتر مربع را در بر می‌گرفت. گفتنی است که قبل از صدور دستور ساخت حصار جدید در دوره ناصرالدین شاه، دوبار مجوز ساخت و ساز در خارج از حصار قدیم شهر صادر شده بود.

نخست در سال ۱۲۶۹: (... چون جمعیت دارالخلافه زیاد شده بود حکم شد هر که بخواهد بیرون دروازه خانه بنا نماید: طرح تعادل بخشی تهران، گزارش شماره ۲: ۵۰) و بار دیگر در سال ۱۲۷۲ به این شرح که: چون جمعیت دارالخلافه... روز به روز زیادتر می‌شد و به تدریج تنگنای

برای این شهر به دست داد که از روی آن، متوسط میزان رشد سالانه در دوره ۸ ساله، ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۹ حدود ۷،۲ درصد به دست می‌آید که حاکی از رونق جمعیت پذیری این شهر است هر چند که اصول و مبانی و حدود دقت این دو شمارش یکسان نبوده، یکی از میزان مصرف نان حاصل آمده و دیگری شمارشی به روش معمولی سرشماریها بوده است.

در هر حال، افزایش جمعیت شهر تهران از حدود ۲۰ هزار نفر در واپسین روزهای سلطنت آغا محمد خان به نزدیک ۱۶۰ هزار نفر در اواخر حکومت ناصر الدین شاه از ۶ برابر شدن جمعیت آن در یک دوره تقریبی ۹۰ ساله خبر می‌دهد که به معنی افزایش شدید در آن دوره بوده است بی آنکه این افزایش منجر، به حاشیه نشینی و یا اسکان جمعیت در خارج از محدوده شده باشد. لازم به ذکر است که در ۱۵ سال پایانی قرن سیزدهم خورشیدی، پیامدهای ناشی از انقلاب مشروطیت مثل ناآرامیهای سیاسی در شهرها و همچنین وقوع قحطیهای متناوب همراه با شیوع بیماریهای مسری در پایتخت به نوعی به کاهش جمعیتی آن شهر انجامید بطوری که جمعیت آن در آغاز قرن چهاردهم شمسی به حدود ۲۱۰ هزار نفر تخمین زده شد.

رساله جامع علوم انسانی

۳ - اقدامات، غفلتها و پیامدها:

غفلت در ارزیابی پیامدهای رشد بالای جمعیت شهر تهران در بعد از انقراض قاجاریه پیش آمد جمعیت شهر تهران از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۸ شمسی (۱۹۲۲ تا ۱۹۴۰ م) از ۲۱۰ هزار نفر به ۵۴۰ هزار نفر رسید و در یک دوره ۱۸ ساله نزدیک به $\frac{2}{6}$ برابر شد. این افزایش، میزان رشد سالانه‌ای معادل ۵،۴ درصد در سال را به دست می‌دهد در حالی که جمعیت کشور در همین دوره میزان رشد سالانه‌ای کمی بیش از یک درصد ($\frac{1}{107}$ درصد) داشته است (همان منبع: ۱۹) با شروع جنگ جهانی دوم و فروپاشی نظام حکومتی آن سالها، تاسین حد اقلهای معیشتی در روستاها مشکلتر شد و ناامنیهای گسترده، موج مهاجرت به شهر تهران را تشدید کرد بی آنکه تدابیر ملموسی برای رویارویی با آن امواج، حداقل از دید کالبدی اندیشیده شود. این مهاجرتها،

نواحی غربی و جنوب غربی شهر تهران را هدف قرار داد و به استقرار سر پناهاها و سکونتگاههای ناهمخوان با برنامه ریزی شهری در آن نواحی انجامید. در فاصله سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۳۵، جمعیت شهر تهران مجدداً نزدیک به سه برابر شد و از ۵۴۰ هزار نفر در آغاز به ۱۵۱۲ هزار نفر در پایان این دوره رسید. گفتنی است که جمعیت ۳۵ شهر سرشماری شده کشور در سالهای پایانی حکومت رضا شاه (این سرشماریها از ۱۳۱۸/۴/۱ آغاز و در ۱۳۲۰/۶/۳ نافرجام ماند) از ۲۲۶۴ هزار نفر در آن سالها به ۳۵۴۹ نفر در سال ۱۳۳۵ (همان اثر: ۵ - ۷) رسید یعنی ۱۲۸۴ نفر افزایش یافت که ۹۷۲ نفر آن که ۷۵/۷ کل را تشکیل می دهد مربوط به افزایش جمعیت شهر تهران بوده است.

بی تردید غفلت درباره چگونگی توسعه شهر تهران از اواسط حکومت رضا شاه آغاز گشت که تصور می شد هرچه بر جمعیت و وسعت شهر تهران افزوده شود نشانه عظمت و اقتدار کشور است چنین تصویری باعث شد که آثار توسعه روزافزون جمعیتی این شهر و پیامدهای آن، از نظر طرح ریزی، کمتر مورد توجه قرار گیرد. سهم جمعیت تهران به جمعیت کشور در این دوره از ۱/۸۱ درصد در سال ۱۳۰۱ به ۳،۴۷ درصد در سال ۱۳۱۹ رسید و بیش از ۲ برابر شد. با اشتغال در سال ۱۳۲۰ بی نظمیهای اجتماعی گسترش یافت و شورشهای مردم در سالهای بعد از ۱۳۲۰ از جمله به دلایل قحطی و گرانی نان نیز مجال تفکر علمی و آگاهانه را از مسئولان سلب کرد (غارث منزل قوام نخست وزیر وقت در سال ۱۳۲۱ و نمونه های دیگر) حتی امکان چاره اندیشی در این موارد را بکلی منتفی ساخت. شتاب افزایش جمعیت شهر تهران تا سال ۱۳۳۵ ادامه یافت و سپس تا سال ۱۳۵۵ کمی از آن کاسته شد و از سال ۱۳۵۵ به بعد نیز رو به افول گذاشت تا در سال ۱۴۰۰ به پائین ترین سطح خود در نیمه دوم قرن بیستم برسد.

جدول زیر سهم نسبی جمعیت شهر تهران از جمعیت کشور را بر پایه برآورده، سرشماریها و پیش بینی های جمعیتی از سال ۱۲۷۰ تا ۱۴۰۰ شمسی نشان می دهد (تعداد جمعیت به هزار نفر):

سال	جمعیت کشور	جمعیت شهر تهران	سهم نسبی
۱۲۷۰	۹۸۹۸	۱۶۰	۱/۶۲
۱۲۸۰	۱۰۳۳۴	۱۷۵	۱/۶۹
۱۳۰۱	۱۱۶۱۹	۲۱۰	۱/۸۱
۱۳۱۹	۱۴۱۱۹	۵۴۰	۳/۵۴
۱۳۳۵	۱۸۹۵۵	۱۵۱۲	۷/۹۸
۱۳۴۵	۲۵۷۸۹	۳۰۲۹	۱۱/۷۰
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۴۵۵۰	۱۳/۵
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۶۰۵۲	۱۲/۲۴
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷	۶۴۷۰	۱۱/۵۹
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۶۷۵۹	۱۱/۲۵
۱۴۰۰	۹۱۶۴۰ (حداقل)	۸۵۹۷	۹/۳۸

بی تردید، در بحث توسعه کالبدی شهرها باید در کنار افزایش جمعیت، نگرشها و پیامدهای آنها را نیز مد نظر داشت و توسعه را در ارتباط با آنها تبیین و تحلیل کرد و به جای پرداختن به تک تک آنها به برابریشان توجه نمود. در مورد شهر تهران حداقل در دوره ۸۰۰ ساله گذشته، علاوه بر مطالعه مقایسه‌ای آن با دیگر شهرهای بزرگ جهان به منظور شناخت تشابهات و تفاوت‌های آنها، باید مرحله بندی دقیقتری از چگونگی افزایش جمعیت، نگرشهای مسئولان و تصمیم‌گیران و پیامدهای آنها به عمل آورد تا با روشن‌بینی بیشتری به تجسم اثر جمعیت در سیاستگذاری راهبردی شهر در آینده دست یافت.

این موارد را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

ویژگی مهم تهران در مقایسه با شهرهای بزرگ قدیم بر کوتاه بودن دوران جمعیت‌پذیری و رشد و گسترش شدید آن به عنوان یک کلانشهر بزرگ منطقه‌ای است به طوری که از لندن تا

بمبئی هیچ کلانشهری به بزرگی تهران وجود ندارد و سرعت افزایش جمعیت هیچ یک از کلانشهرهای این گستره وسیع نیز در ارتقاء از یک شهر نیم میلیون نفری به یک شهر هفت میلیون نفری، مانند تهران نبوده است (جمعیت این شهر، تنها در یک دوره ۳۷ ساله ۹ برابر شده و از کمی بیش از نیم میلیون نفر در سال ۱۳۱۸ به بیش از چهار و نیم میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ رسیده است).

۴ - مرحله بندی توسعه و گسترش تهران:

در مرحله بندی گسترش و توسعه این شهر ۶ دوره کاملاً متمایز وجود دارد که می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

الف - ثبات تقریبی جمعیت در یک دوره تقریباً ۳۰۰ ساله

تهران به عنوان یک آبادی کوچک پس از حمله مغول به ایران شروع به رشد و گسترش نهاد ولی پس از احراز موقعیت‌های مقدماتی شهر شدن، جمعیت آن به مدت قریب به سه قرن، از حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر تجاوز نکرد.

ب - آغاز دوران رشد و توسعه (اولین خمیز جمعیتی)

افزایش جمعیت به ۳۰ هزار نفر در حدود ۲۰۰ سال پیش، رسیدن به ۸۵ هزار نفر در ۱۷۴ سال قبل، و قرار گرفتن در مرتبه دوم از سلسله مراتب شهری کشور بعد از شهر ۱۱۰ هزار نفری تبریز، توسعه و عمران داخلی همراه با بسی تفاوتی به پیرامون آن تا اواخر این دوره.

ج - تبدیل شدن به پرجمعیت‌ترین شهر کشور (خیز دوم جمعیتی)

سرعت گرفتن رشد جمعیتی همراه با ادامه عمران شهر با توجه به پیرامون آن، عبور از مرز ۱۰۶ هزار نفر در ۱۳۵ سال پیش و ۱۵۵ هزار نفر جمعیت در ۲۳ سال بعد، تبدیل تهران به شهر درجه اول کشور و رسیدن به مرز ۲۰۰ هزار نفری در واپسین روزهای دوران قاجاریه در شرایط

گسترش محدوده شهر از ۹ به ۲۴،۵ کیلومتر مربع، محصور در داخل حصار ناصری.

د- رشد فزاینده و پیدایش یک شهر متروپولیتن جهانی (به تعریف امروزی)

افزایش جمعیت از ۲۱۰ هزار نفر در سال ۱۳۰۱ به ۵۴۰ هزار نفر در ۱۸ سال بعد همراه با مطلوب تلقی شدن افزایش جمعیت، اوج‌گیری مهاجرت به تهران در شرایط فروپاشی نظام حکومتی، استقرار بیش از ۶۲ هزار نفر از جمعیت ۳۱۱ هزار نفری سال ۱۳۱۱ شهر در بیرون از حصار ناصری و آغاز حاشیه نشینی گسترده در کنار توسعه‌های لکه‌ای و محدود به جای سیاستگذارهای جامع‌نگر.

ر- خیز سرسام‌آور جمعیتی و تبدیل شهر تهران به یک متروپول بزرگ نزدیک به سه برابر شدن جمعیت شهر از ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۵ و سه برابر شدن مجدد آن در یک دوره ۲۰ ساله از ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵، همراه با مطلوب تلقی شدن افزایش جمعیت شهر، اوج‌گیری مهاجرت‌های شدید به تهران، تهیه طرح جامع و ایجاد نهاد کنترل‌کننده در کنار ناکارآمدی اقدامات و سیاستها و جامع نبودن سیاستگذارها و نگرشهای طرح‌ریزی و توسعه شهری: بازی با عناوین محدوده و خارج از محدوده و بی‌توجهی به ساخت و سازهای پیرامونی به رغم ممنوعیت قانونی

و- آغاز دوران گذار جمعیتی

استمرار افزایش عددی جمعیت (۱،۵ میلیون نفر در دوره ۱۰ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵) همراه با کاهش میزان رشد سالانه جمعیتی تا کمتر از رشد طبیعی آن در سالهای اخیر، دستیابی به دستاوردهای مهم جمعیتی بدون داشتن سیاستهای روشن و کارآمد به ویژه در مورد مهاجرتها، عدم اعتقاد به تحقق‌پذیری تصمیمات کلان در مورد جمعیت شهر حتی در زمان تصویب آنها از سوی تصمیم‌گیران. پیدایش نگرشهای جدید مربوط به توسعه و گسترش شهر و پیچیده‌تر شدن مسائل شهری، عدم تبعیت تصمیم‌گیرها از سیاستها و برنامه‌های مصوب و سیاسی‌تر شدن مدیریت شهری.

۵ - مسائل جمعیتی شهر تهران در حال حاضر

با توجه به آنچه که گفته شد تهران در حال حاضر از دید جمعیت شناسی، با مسائل و مشکلاتی مواجه است که معلول نگرشها و اقدامات گذشته و استمرار برخی از آنها در حال حاضر است. این مسائل به گونه‌ای نیست که بتوان آنها را به صورت گذرا و یا با اقدامات و نگرشهای روزمره حل کرد از آن میان می‌توان ناهمگونی مسائل جمعیتی مناطق مختلف شهر تهران، گرایش شدید سالخوردگی جمعیت در بعضی از مناطق و حفظ ساختار جوان در مناطق دیگر، گسترش فاصله نسلها در مناطق مختلف شهر، ناهمسوئی تحول خانواده و زندگی خانوادگی با خدمات حمایتی اجتماعی، گسترش گروههای آسیب‌زا و آسیب‌پذیر و تداوم تصمیم‌گیریهای چندگانه و ناهمخوان در امور شهر نام برد که پرداختن به آنها در عین حال که بسیار ضروری است نیاز به تفکر، نگرش و برنامه ریزیهای اندیشیده شده‌ای دارد که بدون طرح راهبردهائی در سیاستگذاریهای آینده شهر نمی‌توان بر آنها فائق آمد.

۶ - سیاستهای راهبردی جمعیت برای تدوین برنامه‌های آینده شهر تهران - جمع‌بندی نظرات کارگاه

۱ - در جمعیت پذیری شهر تهران در آینده، باید به توان زیست محیطی و مدیریتی شهر توجه شود و ضمن دنبال کردن راهبردهائی که بتوانند از افزایش شدید جمعیت در این محدوده جلوگیری کنند، بهتر است تا تدوین و اعمال سیاستهای بازدارنده، از تعیین رقم جمعیتی اجتناب شود...

۲ - از هرگونه تغییر و اثر گذاری بر ارقام پیش‌بینیهای جمعیتی پس از تایید آنها در کمیته‌های تخصصی و یا نهادهای علمی خودداری شود تا طرحها و برنامه‌های شهر در آینده، بر محتمل‌ترین ارقام پیش‌بینی‌های جمعیتی، استوار باشد.

۳ - به جمعیت شهر تهران در آینده، باید نه به عنوان یک شهر منفرد بلکه به عنوان مهمترین

مرکز جمعیتی در منطقه و در تعامل با آن نگریسته شود و علاوه بر آن، به نقش تهران به عنوان یک شهر متروپولیتن منطقه‌ای و مهمترین آنها در خاورمیانه و آسیای مرکزی توجه شود.

- ۴ - به منظور کاهش روند مهاجرپذیری و فراهم ساختن موجبات مهاجر فرستی از شهر تهران، باید با در نظر گرفتن نقش و عملکردهای مناسب نواحی دیگر کشور، تمرکز زدائی از فعالیتهای دولتی به صورتی مستمر در قالب سیاست روشن و مشخصی صورت گیرد.
- ۵ - برنامه ریزی برای کاهش تدریجی و مستمر بار تهران از فعالیتهای غیر موجه مستقر در آن، به عنوان یک اقدام ضروری و اجتناب ناپذیر آغاز و به طور جدی دنبال شود.
- ۶ - ناهمخوانی تحول جمعیت با تحولات و حمایت‌های اجتماعی، ضرورت توجه بیشتر به اقتدار آسیب پذیر را مطرح می‌کند. در این راستا باید مسائل خاص زنان با توجه به نقش فزاینده آنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، مسائل ناشی از سالخوردگی جمعیت و تضاد و افتراق نسلها در اولویت قرار گیرند.
- ۷ - با توجه به آثار منفی و بسیار سنگین کاهش سطح باروری زنان از کمتر از حد جایگزینی بر ساختار جمعیت، باید ضمن کنار گذاشتن سیاستهای جمعیتی دوران اوج باروری، به تدوین سیاستهای جمعیتی متناسب با وضع کنونی پرداخت و در بطن آن، به تعریف و تدوین سیاستهای پویای حمایت از خانواده اقدام کرد.
- ۸ - با وجود اشتراکات کلی در میان جمعیت‌های مناطق مختلف شهر، مسائل جمعیتی آنها یکسان و مشابه نبوده و تفاوتها و ویژگیهای خاصی دارند که باید در سیاستهای راهبردی توسعه شهر در آینده مد نظر قرار گیرند.
- ۹ - به روزآوری مستمر اطلاعات جمعیتی و خانواری شهر تهران با تاکید بیشتر بر مهاجرت به عنوان مهمترین عامل اثر گذار بر تعداد و ساختار جمعیت شهر در آینده، تدوین پایگاه اطلاعات جمعیتی پویائی را برای این شهر ضروری می‌سازد.

چکیده

تهران پس از ویران شدن شهر ری به دست مغولان و به ویژه پس از سرکوب قیام ورامین در قرن هشتم هجری ق، کم‌کم به یک مرکز جمعیتی و مدیریتی تبدیل شد و تحول خود را در ۶ دوره متمایز از هم پشت سر گذاشت. این شهر از قرن دهم تا سیزدهم ق از ثبات نسبی جمعیت برخوردار بوده و از اوائل دوره قاجاریه در معرض افزایش ملموس جمعیت قرار گرفت. نخستین خیز جمعیتی را در دوره فتحعلیشاه برداشت و خیز دوم جمعیتی خود را در دوره ناصرالدین شاه پشت سر گذاشت. در مراحل چهارم و پنجم به یک مترو پولیس جهانی تبدیل گشت و در فاصله ۱۲۵۵ و ۱۳۶۵، به رغم افزایش چشمگیر جمعیت خود، با کاهش میزان رشد آن مواجه شد و در مراحل فعالتر دوران گذار جمعیتی خود قرار گرفت. در سالهای اخیر با موازنه منفی مهاجرتی رودررو شد و از میزان رشد جمعیتی کمتر از میزان رشد طبیعی برخوردار گردید.

گرچه جمعیت این شهر از واپسین روزهای سلطنت آغامحمد خان قاجار تا اواخر دوره ناصرالدین شاه بیش از ۶ برابر شد لیکن طی این مدت، در محدوده شناخته شده خود (حصارهای طهماسبی و ناصری) گسترش یافت ولی از اوایل قرن چهاردهم شمسی با استقرار بی رویه جمعیت در پیرامون خود با حاشیه نشینی مواجه شد. گرچه با تجدید نظرهای متعدد محدوده این شهر از ۲۴،۵ کیلومتر مربع (حصار ناصری) به ۷۱۷ کیلومتر مربع رسیده و مساحت آن در یک دوره ۸۰ ساله، بیش از ۲۹ برابر شده است لیکن مسائل عمده آن، همچنان لاینحل مانده است. این وضع بیش از هر چیز ناشی از غفلتهائی است که در ارزیابی آثار و پیامدهای رشد لجام گسیخته شهر صورت گرفته و تهران را با مسائل و مشکلات عدیده مواجه ساخته است. به دلیل تنیدگی بیش از حد این مسایل راه‌حلهای موقت و گذرا، چاره ساز نیست و نیاز به سیاست‌گذاریهای راهبردی مشخص و اندیشیده شده‌ای دارد تا بتواند ابعاد گوناگون گسترش بی رویه این شهر را در تعامل با هم، مد نظر قرار دهد و راهکارهای لازم را ارائه نماید. این

راهکارها باید جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی شهر را در برگیرد و مولفه‌های مهم اثرگذار بر گسترش بی‌رویه آنرا باز شناسد که یکی از آنها نیز مولفه جمعیت شناختی است که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- طرح و تعادل بخشی تهران، مرحله اول گزارش شماره ۲، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران تهران ۱۳۷۹
- زنجانی حبیب‌الله، گزیده مطالعات جمعیتی طرح مجموعه شهری تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران ۱۳۸۲
- زنجانی حبیب‌الله و دیگران، راهنمای جمعیت شهرهای ایران، چاپ دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران تهران ۱۳۸۲
- مرکز آمار ایران، نشریات سرشماری عمومی نفوس و مسکن از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵.
- Olivier voyage dans l'empire Ottoman, l'Egypte et le perse, Paris, 1807. tome 3 ,p:50
- P,A Jauber , voyageen: Armeniceten Perse dans les annees 1805 et 1808, Paris 1821, PP220-260
- Teheran, capitale bicentenaire, institut Francais de recherche en Iran, Paris _ Teheran1992